**Khalsa Darbar Records**

eBay item number: 267065568705

Source: https://www.ebay.ca/itm/267065568705

Title: Antique Official Record Of Sikh Khalisa Sarkar Dated/ Stamped

Date: ca.1833

Item description from the seller:

This is the Sikh Khalisa Sarkar office records diary of 1833, and the maximum court cases are written for different cases and different people, i.e. Meher Singh,  Wakil Raja Patiyala, Dilawar khan resident of Shahjehan Abad, Kol Singh Gujjar resident of Saad Abad, Kanwar Singh, Ram Din son of Harkishan, and Badhu son of Mehdu resident of Surajpur etc.

The official stamp of Khalisa Sarkar official court (Adalat) is also affixed on mostly letters, as well as counter signed by someone higher official,  on every page.

Pages: 38

Size: 30x21 Centimeters

~~۲ ماه حوت سنه ۱۳۳۱ اظهار مسماه دلو بای متعلقه در غلامخانه بروز شنبه لادو کهار با ...~~ حاضر

در روز ... شنبه ... حاضر



اسم من دولت ولد بهادر قوم ... هندو ... سالگی

ولایتم ... مسکنم دهلی عمرم ... ساله در کوچه ... هستم

در کوچه ... والد ... کتخدا ... شوهرم است

... لادو کهار ... بود و ... کهار

در مسجد ... لادو ... رفته بودم ... مسماه ... را

کردم وقت ... راه مسجد ... لادو کهار

گرفت و در ... یک ... نقره ... از نقره بود

از دست ... که ... در ... را ... بردم

غایب شد و مسماه لادو ... بود

بر ... گواه ... و مسماه لادو هم ...

تو کتخدا هستی

بلی ... کس ... بود

اظهار مسماة خانم در حضور العدول قصد ... حاضر و اذعان و اعتراف نمود بجهت اینکه مبلغ ... را بر ذمه ... صلح ... بر

تحریراً فی واقعه ... شهر ... سنه ۱۳۳۳ شعبان

انچه بگوید ... از اینجا ... خود ... از جانب

مادر ... شده ... حلال ... مالک

بنام مسماة رحیمه ... ولد ... مرحوم ... حاضر

... که ... در ... بجهت ... عمر ... سالم

... مسماة ... و ... حلال ... بود

... تا ... واقعه ... بود ... مجلس

... گشته ... و ... مرا ... و ... را

... داد ... رسانده ...

... اقرار ... او ... حاضر ... مالک

[illegible] ... که ... رفته ...

از ... بالای ... ما ... از ... و ...

و ... معلوم ... بر ... را

اظهار می‌دهد در عدالت فوجداری حاضر دارالحکومت جهانی آباد مجلس را برای [illegible] صاحب بهادر رفته است

واقعه [illegible] ماه [illegible] سنه ۱۸۳۳ عیسوی



نام [illegible] ولد [illegible] قوم [illegible] ساکن [illegible] ساله

[illegible] حال [illegible] سال [illegible]

حقیقت این است که [illegible] اظهار [illegible] مسماة

[illegible] مسماة [illegible] در [illegible]

[illegible] مسماة [illegible]

[illegible] دختر [illegible] دختر

[illegible] دختر مسماة [illegible] مسماة

[illegible]

[illegible] صاحب بهادر [illegible] صاحب بهادر رفت

اظهار رام جی طالب بخواهش حال لارنس صاحب بهادر بتاریخ بیست و هشتم ماه جون ۱۸۳۳ ع



نام من رام جی ولد کرشن قوم ...

دیوان صاحب ... که ... روان ... باشنده ...

حقیقت اینست که ... ... بودم

من ... ... ام ... جنبه ... بگم ...

یک کس ... ... نزد من آمده گفت ... ... ...

... رسانیده ... ... ام گفت

... ... ... ... ...

وسکونت

اظهار مسماة ... در عرضه است که به عرض ... دار الخلافه و ... آقا محکوم ... را بر ... اظهار

محترم داود ... بتاریخ سه شنبه ۲۳ ... ۱۸ شعبان

بنام مسماة ... ملک ... 

شد ... داود ... حاجی ... در اطلاع ... داود ...

حقیقت این است که مسماة ... 

... از ... مسماة ... 

ولکن ... 

... را ... در خانه ... 

و ... را در ... که در ... بود ... 

... ملک ... دو دانگ ... 

... داد ... 

اقرار و مسالمه ... که ... در عرضه

جواهر آجه عمر داشت — زایش بیست سال است قدری ثروت برای بوده و العدا و حکم نمیدانم

هیچ وقت جواهر آدمی بوده — نه

هیچ از آن لادو خبر واقف بودی — نه

اگر از روز واقعه نبودی چگونه نام لادو میدانی — میدانم لادو برای اینکه کسی در باغ میرفتم روزی یک دسته
گل لادو گفته که لادو خوب است بعد از آنجه نمیدانم
برادرش لادو بود

کاری سخنانی با لادو کرده بود — گاهی نه

مهر و صیغه کرده است — زنش و ثروت دارد

هرگاه مسماه لادو از سیر میدوی مراجعت به هیچ کس — هیچ نه
آنگاه از سماسحی گفته بود یانه

تو هم از لادو چیزی گفته بودی یانه — نه الا مسماه لادو از مهر و گفته بود در بابا بود را برادر

در سیر میدوی هم کلاه پوشیده بود — نه در خانه مهر و سخانه رسید به پوشش اینجا بود

هرگاه لعو مدارک کلوی کو گرفته آنگاه کلاه پوشی بلی پوشش آمد بود و هرگاه که این کردم جواب او مهر و لا اینجا نه
آمد بود یانه

تو بجز اینها خود از اینجا رفته بودی — اگر بجز اینها خود میرفتم چرا می‌آمدم

ترا مسماه لادو کدام جا برده بود — متصل قریه و منبع نهر

کدام موسم و کدام روز بود — در موسم سرما در روز پنجشنبه و ماه رمضان و ماه بهمن سنه [illegible]

که مسماه لادو در کجا توقف کرده است — در راه روی مسماه لادو مرا گرفته تختی در گلوی من انداخت

تخته در گلوی تو انداخته بود یا در آنجا راه رفتن

چرا تختی در گلوی خود انداختن دادی — لادو مرا گرفته در گلوی من تخته انداخت

هرگاه مسماه لادو تختی یعنی تعوید در گلوی تو انداخت از کجا آورده بود — تختی را جواهر از دستار خود گشاده به مسماه لادو داد و لادو در گلوی من انداخت

تعوید از گلوی تو کی برآورد — در جمعه ده که مال [illegible] بود که در آنجا از سر [illegible] رفته بودیم در آنجا تعوید از گلوی من برآورده و به آنجا جواهر مبلغ قیمتش مرا از مهر ستانگرفت

به مسماه لادو هم چیزی جواهر داده بود یا نه — به من معلوم نیست

هرگاه مسماه لادو تعوید در گلوی تو انداخته بود آن وقت جواهر چیزی گفته بود — لادو وقت انداختن تعوید این گفته بود که تو همراه جواهر برو جواهر را بار ترا در [illegible] خواهد آورد